**خطاب** **به طلاب حوزه‌های علمیه**

در نجف أشرف و در قم و در کلیه نقاط زمین



سید أحمدالحسن

وصي و رسول امام مهدي

8 /ربيع الثاني/1426 هـ .ق

ترجمه فارسی

**بسم الله الرحمن الرحيم**

والحمد لله على بلاءه وعظيم نعماءه

حمد و سپاس خداوند بر بلایا و نعمت‌های عظیمش: (**وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْماً اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَاباً شَدِيداً قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَى رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ \* فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ**)؛ «و آنگاه كه گروهى از ايشان گفتند: چرا قومى را پند مى‌دهيد كه خدا هلاكشان خواهد كرد یا به عذابى دردناك مبتلا خواهد ساخت؟ گفتند: تا ما را نزد پروردگارتان عذرى باشد. و باشد كه پرهيزگار شوند. \* امّا هنگامی که تذکراتی را که به آنها داده شده بود فراموش کردند، (لحظه عذاب فرا رسید؛ و) آنان كه از بدى پرهيز مى‌كردند نجات داديم و ستمكاران را به سبب نافرمانیشان به عذابى سخت فرو گرفتيم».([[1]](#footnote-1))

خطاب به طلبه‌های حوزه‌های علمیه نجف أشرف و در قم و در کلیه نقاط زمین؛ با خود منصف باشید و با قلب‌هایتان به حکمت معطوف شوید، و سخنان مرا با انصاف تدبیر کنید، و صله رحم محمد (ص) را قطع نکنید، زیرا که به عرش الهی متصل است و می‌گوید: (پروردگارا هر که با من وصلت کرد با او وصلت کن، و هر که با من قطع رابطه کرد با او قطع رابطه کن).

به کدام یک از ثقلین تمسک جستید: به قرآن یا به عترت؟! آیا از خود پرسیده‌اید؟ اما قرآن، شما آن را پشت سر خود نهادید و آن را به عنوان بی ارزش‌ترین چیزها در میزان خود قرار دادید. و اما عترت، حکمت یمانی آنها را دور انداختید و روایات ربانی آنها را مانند غباری که هوا آن را پراکنده کرده آنها را پراکنده کردید. و هرآنچه موافق هوای نفس شما بود پذیرفتید، هر چند که راویان آن کم بودند. و آنچه مخالف هوای نفس شما بود، هر چند که از آنها (ع) به حد تواتر رسید، رد کردید. می‌گویید: روایاتی که مرا توصیف کرده‌اند، حجت نیستند. و وصیت رسول خدا (ص) به أئمه و به من و مهدیین حجت نیست. و معرفت قرآن و راه‌های آسمانی حجت نیستند. حضرت محمد (ص) و قرآن و عترت در میزان شما چقدر بی‌ارزش و در عقلهای شما چقدر بی اهمیت، هستند. حق را به شما می‌گویم: در تورات نوشته شده: (**توكل علي بكل قلبك ولا تعتمد على فهمك، في كل طريق إعرفني، وأنا أقوم سبيلك، لا تحسب نفسك حكيماً، إكرمني وأدب نفسك بقولي**)؛ «بر من با تمام وجودت توکل کن، و بر فهم خود اعتماد نکن، به هر طریقی مرا بشناس، و من راه تو را استوار می‌کنم، خود را حکیم حساب نکن، به من احترام بگذار و با سخنانم، خود را ادب نما».([[2]](#footnote-2)) و در قرآن: (**وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ**)؛ «وكسانى كه در راه ما كوشيده‏اند به يقين راه‏هاى خود را بر آنان مى‏نماييم و در حقيقت ‏خدا با نيكوكاران است».([[3]](#footnote-3))

شما می‌گویید شهادت دو نفر عادل را قبول داریم؛ در حالی که این خداست که برای من شهادت می‌دهد، و محمد (ص) نیز شهادت می‌دهد، و علی امیرالمومنین (ع) نیز شهادت می‌دهد، و فاطمه زهرا (ع) شهادت می‌دهد، و حسن (ع) برایم شهادت می‌دهد و حسین (ع) برایم شهادت می‌دهد، و علی بن‌ حسین و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و محمد (علیهم السلام) به‌ وسیله صدها رؤیا که مؤمنان دیده‌اند، برای من شهادت می‌دهند. آیا شهادت آنها و سخن آنها و نصایح آنها را قبول ندارید؟ آیا به شما خبر نداده‌اند که بر صاحب حق جمع می‌شوند، هنگامی که بیاید؟ و فرمودند (ع): (**فإذا رأيتمونا قد اجتمعنا على رجل فأنهدوا إلينا بالسلاح**)؛ «اگر دیدید که بر مردی اجتماع کردیم، با تمام سلاحتان (با آنچه در توان دارید) به سوی ما بشتابید؟».([[4]](#footnote-4))

می‌گویید که شیطان به صورت رسول خدا محمد (ص) ظاهر می‌شود: (**لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئاً إِدّاً \* تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدّاً**)؛ «واقعاً چيز زشتى را بر زبان آورديد \* چيزى نمانده كه آسمان‌ها از اين سخن بشكافند و زمين چاك خورد و كوه‌ها به شدت فرو ريزند».([[5]](#footnote-5)) در حالی که خداوند می‌فرماید: (**وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ \* وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ**)؛ «و شياطین آن را فرود نياورده‏اند \* و آنان را سزاوار نیست و نمى‏توانند وحى كنند».([[6]](#footnote-6)) پس اگر شیطان (لعنه الله) نمی‌تواند حتی حرفی از قرآن به زبان خود بیاورد، چگونه به صورت محمد (ص) ظاهر می‌شود؟ در صورتی که محمد (ص) کل قرآن است. (**قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ**)؛ «بگو فرمانروايى هر چيزى به دست كيست و اگر مى‏دانيد كيست آنكه او پناه مى‏دهد و در پناه كسى نمى‏رود».([[7]](#footnote-7)) چه کسی ملکوت آسمان‌ها و زمین به دست اوست؟ به خدا که انصاف پیشه نکردید، وقتی که ملکوت آسمان‌ها را بدست شیطان سپردید و حرمت رسول خدا (ص) را أرج ننهادید، ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم.

مردم را به مسخره می‌گیرید، و به آنها می‌گویید : آیا رسول خدا (ص) را دیده‌اید تا اینکه در رؤیا او را بشناسید؟ سبحان الله، آیا در زمان امام صادق (ع) کسی رسول خدا (ص) را دیده که امام صادق (ع) می‌فرماید: هر کس بخواهد رسول خدا (ص) را در رؤیا ببیند، اینچنین واینچنین عمل کند؟ و روایات زیادی در این‌باره وجود دارد، برای اطلاع بیشتر به کتاب دار السلام، و دیگر کتب احادیث مراجعه کنید.

می‌گویید؛ که رؤیا تنها برای صاحبش حجت است، و شهادت انسان مؤمن عادل را رد می‌کنید، کسی که رسول خدا (ص) را در ملکوت آسمانها دیده و شنیده و به او خبر حق را داده است، پس چگونه شهادت وی را درباره آنچه که در این دنیای مادی شنیده و دیده‌ است، قبول می‌کنید که: (**تِلْكَ إِذاً قِسْمَةٌ ضِيزَى**)؛ (در اين صورت اين تقسيم است نادرست).([[8]](#footnote-8)) در حدیثی از امام حسن عسکری (ع) بعد از اینکه فضل بن‌حارث در خواب، او را دیده بود و بین آنها سخنانی، ردوبدل شده بود، نقل شده که امام (ع) فرمود: (**إن كلامنا في النوم مثل كلامنا في اليقظة**)؛ «کلام و سخن ما در خواب مانند کلام ما در بیداری است».([[9]](#footnote-9))

آیا رسول خدا (ص) ایمان خالد بن‌سعید أموی را قبول نکرد چون رؤیا دیده بود؟ آیا رسول خدا (ص) ایمان آن مرد یهودی که در رؤیا موسی بن عمران (ع) را دیده بود، و به او فرمود که محمد (ص) حق است، قبول نکرد؟ آیا امام رضا (ع) ایمان واقفیان را قبول نکرد چون که در رؤیا دیده بودند وی بر حق است؟ آیا امام حسین (ع) ایمان وهب نصرانی را قبول نکرد چون که رؤیا دیده بود؟ آیا نرجس مادر امام مهدی (ع) بوسیله دیدن رؤیا نزد امام حسن عسکری (ع) نیامد؟ آیا ... و آیا ... إنا لله وإنا إليه راجعون؛ دنیا در میزان و ترازو شما چقدر با ارزش و سنگین و ملکوت آسمان‌ها در هوای نفسانی و نظر شما چقدر بی‌ارزش است. احوال امت‌های را که قبل از شما با انبیاء خود (ع) بودند، مطالعه کنید. ویاخود منصف باشید؛ وبا قلب‌هایتان به حکمت معطوف شوید.

شما را نصیحت می‌کنم، و به شما هشدار می‌دهم، و صحفه جدیدی از حسین (ع) برای نصیحت شما باز می‌کنم؛ شاید بین شما عاقلی باشد که بر سر عقل آید، و خود را از ورود به آتش جهنم نجات دهد. حسین (ع) فدای عرش خدای سبحان ومتعال است. و اگر خون حسین (ع) نبود دین الهی در آخرالزمان باقی نمی‌ماند و از تَحقق دور می‌شد. امام حسین (ع) نشان داد که دین الهی بدون خون مقدسش، باقی نمی‌ماند. اگر خون حسین (ع) در کربلا جاری نمی‌شد، تلاش انبیاء وفرستادگان، و تلاش محمد (ص) و علی (ع) و فاطمه و حسن (ع) به هدر می‌رفت و بقیه أئمة معصومین از فرزندان حسین (ع) توانایی تثبیت قواعد دین الهی و ولایت الهی و حاکمیت خداوند سبحان ومتعال را نمی‌توانستند نهادینه کنند. و هر کس تلاش کند، از حسین (ع) تنها امامی مقتول بسازد، تا مردم بر وی گریه کنند، وی نیز در ریختن خون حسین (ع) شریک می‌باشد. و او کسی است که تلاش می‌کند حسین (ع) را در این زمان به قتل برساند.

حسین (ع) در کربلا با تمامی شیوه‌های خبیثانه شیطان مواجه شد. حسین (ع) با حاکمانی که بر امت اسلامی مسلط شده بودند و حاکمیت خدا را نقض کردند مواجه شده بود. حسین (ع) با علمای بی‌عمل مواجه شد، علمای همچون: شریح قاضی، شبث بن ربعی، شمر بن ذی الجوشن و امثال‌شان که خطرناک‌ترین مهره‌های جبهه مبارزه بودند. زیرا که با لباس دین آمده بودند، و مردم را گول زده و متوهم ساختند که آنها بر حسین (ع) شمشیر محمد «ص» را به ظلم و تزویر از غلاف بيرون كشيدند. و با دروغ و افتراء به خدا ادعا کردند که نمایندگان دین الهی هستند. در حالی که حسین (ع) خبر آنها را داده بود که شمشیرهایشان را بعد سوگندی که یاد کرده بودند، (برعلیه او) خواهند کشید.

حسین (ع) در کربلا با دنیا و زیورآلات آن رو به رو شد. و هیچ کس دنیا را طلاق نداد و به کاروان انبیاء و مرسلین و کاروان حقیقت و نور نپیوست، مگر عده اندکی که به عهد خدا وفا کردند.

حسین (ع) در کربلا با منیت «أنا» رو به رو شد، و سوارکار این رویارویی بعد از حسین (ع)، و بهترین کسی که در میدان جنگ با آن «أنانیت» رو به رو شد عباس بن علی (ع) بود، آن هنگام که آب را از دست خود به زمین ریخت و به جای آن از قرآن جرعه ‌ای برداشت: (**يُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ**)؛ «آنها را بر خود مقدّم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند».([[10]](#footnote-10)) وکدامین احتیاج، همچون احتیاج عباس (ع) بود؟ وکدامین ایثار همچون ایثار وی بود؟ آیا ایثار بود؟ یا اینکه به علت ناتوانیّ کلمات در وصف، آن را ایثار نامیدیم.

همچنین حسین (ع) در کربلا با ابلیس (لعنه الله) دشمن قدیمی بنی آدم روبرو شد. کسی که وعده داده بود همه را از صراط مستقیم گمراه کند و وارد آتش جهنم نماید، و به تحقیق که حسین و یارانش در این مبارزه پیروز شدند.

و اما حاکمان ظالم، حسین (ع) همه آنها را کشت، و باطل بودن حاکمیت مردم را به هر نحو ممکن آشکار ساخت، حال این اتفاق چه به وسیله شورا (انتخابات) بین آنها باشد و چه با برگزیدن از طرف مردم. و حسین (ع) آشکار کرد که حاکمیت برای خداوند می‌باشد چرا که او مالک مُلک است. و این حق اوست که برای مردم حاکم را برگزیند و بر مردم واجب است که بپذیرند، و هر کس انتخاب خداوند را رد کند همچون ابلیس (لعنه الله) از درگاه بندگی خداوند رانده می‌شوند آن هنگامی که بر انتخاب آدم (ع) بعنوان خلیفه خداوند در زمینش اعتراض کرد و اطاعت و تسلیم در مقابل او را رد کرد پس مواظب باشید که ابلیس با ندایش شما را از راه به در نکند وبه بیماری خود بیمارتان نکند. خدای متعال فرمود: (**قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**)؛ «بگو: بار خدایا، ای پادشاه ملک هستی، تو هر که را خواهی ملک و سلطنت بخشی و از هر که خواهی ملک و سلطنت بازگیری، و هر که را خواهی عزت دهی و هر که را خواهی خوار گردانی، هر خیر و نیکویی به دست توست و تنها تو بر هر چیز توانایی».([[11]](#footnote-11))

و اما علمای بی‌عمل؛ حسین (ع) آنها را به خفت و خواری کشاند، و نقاب مقدس نمایی ظاهری را از صورت‌های سیاه و پلیدشان برداشت. ایستادگی حسین (ع) در کربلا میزان حق و عدل و توحید را روشن ساخت، تا هر کس که بخواهد از آن در هر زمان استفاده کند تا بوسیله آن صورت‌های ممسوخ علمای گمراه غیرعامل را از پس آن نقاب‌های مقدس نمای ظاهری، بشناسد.

اما دنیا و متعلقات آن؛ حسین (ع) و یارانش (ع) آنرا طلاق داده و با کاروان حقیقت و نور الهی همراه شدند. و این دومین میزانی است که حسین(ع) با خون مقدسش با عمل ونه با سخن آنرا ترسیخ کرد. حسین (ع) با عملش ثابت کرد که دنیا و آخرت متناقض هم دیگرند و هر دو در قلب یک انسان جمع نمی‌شوند. اگر یکی از آنها در قلب جای گرفت دیگری از قلب انسان خارج می‌شود، و اگر انسان به سوی یکی از آنها رفت از دیگری فاصله می‌گیرد. و هر کس خدا و آخرت را بخواهد چاره‌ای جز طلاق دنیا ندارد.

و اما «منیت»؛ کافی است که بگویم بخشیدن نفس آخرین و نهایتِ بخشش‌هاست. به تحقیق که «منیت» در کربلا به قتل رسید، آن هم قتالی عظیم و انسانیت بر «منیت» در کربلا پیروز شد. پیروزی که میزان عدل الهی را ترسیم نمود، تا به هر صاحب حقی حق او داده شود، لا اله الا الله میزان شهادتی که حسین (ع) ویارانش (ع) باخون خود بر آن شهادت دادند.

و اما ابلیس (لعنه الله)؛ در کربلا حسین (ع) زنجیرهای به دست وپایش زد، و نیزه‌ای در سینه‌اش نهاد که تا کنون از آن مصیبت فجیع که برایش رخ داده در خون خود غوطه ور می‌باشد و ناله سر می‌دهد. تا اینکه قائم در مسجد کوفه گردن او را می‌زند.

حسین (ع) راه را برای دولت عدل الهی آماده ساخت، گویی که حسین (ع) در کربلا ذبح شد تا اینکه قائم از فرزندانش حکومت کند. و گویی که حسین (ع) فدای دولت عدل الهی و مُلک خداوند سبحان وتعالی است: (**وَفَدَيْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ**)؛ «و او را در اَزاى قربانى بزرگى باز رهانيديم».([[12]](#footnote-12)) این گونه است که این فدایی واضح‌ترین علامت‌های راه به سوی خداوند سبحان وتعالی بود، و علمای گمراه و غیرعامل در ادوار گذشت توانای کشتن حسین (ع) و یا محو سنت او را ندارند، و همواره برای هر حق طلبی، مانند پرچمی به اهتزاز در آمده در آسمان خواهد بود.

هیچ ترس و واهمه‌ای بر حسین (ع) از صدای این خران نداریم، خدای متعال می‌فرماید: (**مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَاراً**)؛«مثَل كسانى كه تورات به آنها داده شده و بدان عمل نمى‌كنند مثَل آن خر است كه كتاب‌هاى را حمل مى‌كند».([[13]](#footnote-13)) همچنین می‌فرماید: (**إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ**)؛ «بی‌تردید ناپسندترین صداها صدای خران است».([[14]](#footnote-14)) یا بگو: علمای غیرعاملی که با خود عهد بستند حسین (ع) را دوباره به قتل رسانند. وگفتند: حسین (ع) حاکمیت مردم را تأیید می‌کند. در حالی که ایشان برای نقض حاکمیت مردم و اثبات حاکمیت خداوند سبحان ومتعال، بقتل رسید. و با ادعای نمایندگی از او و در عمل گفتند: که حسین (ع) نیز در برابر آمریکا سر می‌نهد. در حالی که ایشان (أبي الضيم) پدر مصایب است، کسی که شمشیر خود را تا آخرین لحظه حیاتش (ع) در برابر ظلم و فساد بالا برد. وهمین طور گفتند: حسین (ع) آزادی و دمکراسی آمریکا را تأیید می‌کند. در حالی که حسین (ع) بندۀ خدای سبحان ومتعال است و جز بندگی خداوند سبحان ومتعال و انجام اَوامر و نواهی او (سبحانه وتعالى) چیز دیگری را نمی‌داند. این علمای غیرعامل به حاکمیت خداوند سبحان وتعالی کفر ورزیده و به دمکراسی (دمکراسی آمریکای) ایمان آورده و آن را آزادی خواندند. و حق را به شما می‌گویم: این علمای غیرعامل که آزادی آمریکای و دمکراسی آنرا تأیید می‌کنند آزاده هستند، و اگر بندگان خدا بودند، از خدا خجالت می‌کشیدند. آزادی که حسین (ع) و پدران و فرزندان طاهرش (ع) شناختند همان کفر به بندگی طاغوت و ایمان به بندگی خداوند سبحان وتعالی است. خدای متعال می‌فرماید: (**فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى**)؛ «پس هر كس به طاغوت كفر ورزد و به خدا ايمان آورد به يقين به دستاويزى استوار چنگ زده است».([[15]](#footnote-15))

با خود منصف باشید و با قلب‌های خود به سوی حکمت متمایل گردید. در کشتن حسین (ع) شرکت نکنید، به سینه نزنید و لباس‌های خود را ندرید و اشک‌های ریا و تزویر از چشم‌هایتان جاری نسازید. برای حسین (ع) عزاداری نکنید تا حسین (ع) را از نو بکشید. و آنچه را که انجام نمی‌دهید، نگویید: (**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لا تَفْعَلُونَ \* كَبُرَ مَقْتاً عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لا تَفْعَلُونَ**)؛«اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد چرا چيزى مى‏گوييد كه انجام نمى‏دهيد \* نزد خدا سخت ناپسند است كه چيزى را بگوييد و انجام ندهيد».([[16]](#footnote-16)) اگر می‌خواهید برای حسین (ع) عزادارای کنید، روح شما قبل از اجساد شما، باید آن را دریابد و خون شما قبل از اشک‌هایتان برای او بگرید. آیا نمی‌بینید که دنیا پشت کرده و آخرت در حال فرا رسیدن است؟ و شرورترین و فاسدترین و ظالمترین خلق خدا (آمریکای‌ها) و همدستان پلید و کافرشان بر دریا و خشکی سیطره پیدا کرده‌اند: (**ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ**)؛ «فساد در خشكي و دريا به خاطر كارهاي كه مردم انجام داده‏اند آشكار شده، خدا مي‏خواهد نتيجه بعضي از اعمال آنها را به آنها بچشاند شايد بازگردند».([[17]](#footnote-17)) حرمت اسلام نگه داشته نشد، و با اسلام از هر جهتی مبارزه شد، پس دیگر منتظر چه چیزی هستید؟!

اگر با حق و صدق نیت به حسین (ع) می‌گویید: اِی کاش با شما بودیم و به سر بلندی بزرگی می‌رسیدیم. آگاه باشید که اکنون حسین (ع) به وسیله فرزندش امام مهدی (ع) بین شما ظاهر شده است، و شما را می‌بیند و مراقب کارهایتان است و اشتیاق پیروزیتان را دارد و شما را فرا می‌خواند: «آیا به ما پشت می‌کنید، و از یاری ما سر باز می‌زنید؟ خدا ما را بس است و نیکو حمایت‌گرى است». و آیا با اِتکا به تقیه به آل‌محمد (ع) پشت می‌کنید و یا به وسیله ترس یا کمی نفرات وتجهیزات؟ آیا طالوت با کمیّ نفرات وتجهیزات با سپاه جالوت جنگ نکرد، با اینکه آنها تجهیزات و نفرات زیادی داشتند؟ آیا محمد (ص) در (جنگ) بَدر با نفرات وتجهیزات کم جنگ نکرد، و خداوند آنها را یاری نمود؟ و آیا قرآن در گوش‌هایتان ندا نمی‌دهد: (**كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ**)؛ «چه بسیار گروه‌های کوچک که به فرمان خدا، بر گروه‌های بزرگ پیروز شدند! و خداوند، با صابران است».([[18]](#footnote-18))

ای کسانی که از یاری امام مهدی (ع) شانه خالی می‌کنید، آیا منتظر پیوستن به سپاه سفیانی (لعنه الله) وارث یزید بن معاویه (لعنه الله) بعد از پیوستن به دجال بزرگ (آمریکا) هستید؟ پس در این صورت شما را به آتشی بشارت باد، که هیزم آن: (**النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ**)؛ «مردم و سنگ‌هایی هستند که برای کافران آماده شده است».([[19]](#footnote-19)) چه خواهید گفت، می‌گویید: برای حسین (ع) گریه کردیم و سینه زدیم؟ حسین (ع) این گونه به شما جواب خواهد داد: (شما از کسانی هستید که در ریختن خونم شریک بودید چرا که با فرزندم مهدی جنگ کردید). بعد از این چه خواهد بود، آیا می‌گویید ما بی‌طرف هستیم؟ در این صورت جواب شما این خواهد بود: (خداوند اُمتی را که مصیبت را شنید و به آن راضی شده، لعنت می‌کند). پس هر عاقلی به خود بیاید، چون فرصت‌ها مانند ابر می‌گذرند. اگر شما طالب حق هستید، حسین (ع) در این زمان را یاری دهید و نهراسید: (**وَلا تَهِنُوا وَلا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ**)؛«و اگر مؤمن هستيد سستى نكنيد و غمگين نشويدكه شما برتريد».([[20]](#footnote-20)) از کسی که جسد را از بین می‌برد نترسید، بلکه از کسی که می‌تواند روح و جسم را با هم در جهنم به هلاکت برساند، بترسید. و اگر نیت شما این است که با حسین (ع) در این زمان پیمان شکنی کنید، و اگر ظلم به خود را برگزیدید به شما هشدار می‌دهم و شما را بر حذر می‌دارم از عذاب خداوند سبحان وتعالی در دنیا و آخرت، و هیچ عذر و بهانه‌ای برای شما باقی نخواهد ماند.

و من، و از منیت به خدا پناه می‌برم، برای تعجیل عذاب و نزول آن دعا نمی‌کنم، هر چند که عذاب را می‌بینم که به شما نزدیک شده و شما را احاطه کرده است؛ بلکه صبر خواهم کرد، حتی اگر خداوند هزار سال هم بخواهد، تا اینکه وقت امری که انجام شدنی است، فرا رسد. و از شما نزد خداوند متعال شکایت نمی‌کنم، بلکه شکایت شما را رسول خدا (ص) خواهد کرد چرا که او به من وصیت کرد و اسم من، نسب من، صفات من را ذکر کرده است. و شکایت شما را پدرانم أئمه (ع) خواهند کرد زیرا که آنها، اسم و نسب و صفات و مسکن من را، ذکر کردند. و خون حسین که در کربلا برای خدا و به خاطر پدرم (ع) و خودم بر زمین جاری شد از شما شکایت خواهد کرد. وانبیاء خداوند سبحان ومتعال و فرستادگانش از شما شکایت خواهند کرد، اشعیا و دانیال و عیسی و یوحنای بربری از شما شکایت خواهند کرد، زیرا که آنها امر مرا از سال‌های طولانی پیش برای مردمِ زمین روشن ساختند. وتورات و إنجیل و قرآن که در آن ذکر شده‌ام از شما شکایت خواهند کرد؛ با وجود این همه دلایل باز مرا اِنکار می‌کنید و مرا یاری نمی‌دهید؟! زندگی و نجات شما را خواستارم پس در ساختن خودتان مرا یاری دهید.

خوشا بحال کسی که نفس خود را در راه خدا قربانی کند، خوشا به حال کسی که از گردنه صعب‌ العبور «عقبه » بگذارد، خوشا به حال کسی که به سبب من نلغزد، خوشا به حال غریبان دیوانه نزد اهل زمین، عاقلان نزد اهل آسمان. و من، و از منیت به خدا پناه می‌برم، بنده فقیر مسکین بینوا در میان دستان خداوند هر عاقلی که طالب حقیقت است را دعوت می‌کنم تا تبری به دست گیرد همان طور که ابراهیم (ع) انجام داد و همه بتهایی را که غیر از خداوند مورد پرستش قرار می‌گیرند را نابود سازد، مِن جمله بت موجود در میان وجود انسان که منیت است.

و بسیار به یاد خدا باش و بدان هرچه بیشتر به یاد خدا باشی از غافلان نخواهی بود. تا اینکه از ولیّ خدا تبعیت کنی و از ساجدین خواهی بود و کمترین توجه را به دنیا داشته باش و بدان هر چقدر که زُهد پیشه کنی، باز هم حریص خواهی بود تا اینکه از گردنه «عقبه» بگذری و خود را از آتش دنیا و آخرت نجات دهی: (فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ \* وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ)؛ «نخواست از گردنه بالا رود \* و تو چه دانى كه آن گردنه [سخت] چيست».([[21]](#footnote-21)) أبان بن تَغلِب از أبي عبداللّه (ع) روایت می‌کند که: (**قُلْتُ له جُعِلْتُ فِداك، قَوْلُهُ: فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ، فَقَالَ: مَنْ أَكْرَمَهُ اللَّهُ بِوَلَايَتِنَا فَقَدْ جَازَ الْعَقَبَةَ، وَ نَحْنُ تِلْكَ الْعَقَبَةُ الَّتِي مَنِ اقْتَحَمَهَا نَجَا. قَالَ: فَسَكَتَ، فَقَالَ لِي: فَهَلَّا أُفِيدُكَ حَرْفاً خَيْرٌ لَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا؟ قُلْتُ: بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ. قَالَ (علیه السلام): قَوْلُهُ فَكُّ رَقَبَةٍ، ثُمَّ قَالَ: النَّاسُ كُلُّهُمْ عَبِيدُ النَّارِ غَيْرَكَ وَ أَصْحَابِكَ، فَإِنَّ اللَّهَ فَكَّ رِقَابَكُمْ مِنَ النَّارِ بِوَلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ**)؛ «به وی عرض کردم: فدایت شوم معنی: (فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ) چیست؟ فرمود: هر کس به وسیله ولایت ما، خداوند او را تکریم کرده باشد از عقبه سالم می‌گذرد، و آن عقبه ما هستیم که هرکس از آن گذشت نجات پیدا کرده است. و سپس بعد از سکوتی فرمود: آیا چیزی به تو بیاموزم که برایت بهتر از دنیا است و آخرت در آن باشد؟ گفتم آری فدایت شوم، فرمود (ع): خداوند می‌فرماید: (فَكُّ رَقَبَةٍ) «آزاد کردن گردن خویش». سپس فرمود: مردم همه بندگان آتش هستند، غیر از تو و یارانت زیرا که خداوند شما را به وسیله ولایت ما از آتش دوزخ رهایی بخشیده است».([[22]](#footnote-22))

و عیسی (ع) فرمود: (**طوبى لمن لا يعثر بي**)؛«خوشا به حال کسی که به سبب من نلغزد».([[23]](#footnote-23)) خود را در میان دستان پروردگار قربانی کن، تا امروز و فردا (قیامت) پیروز گردی و از جامی بنوشی که هرگز بعد از آن تشنه نشوی: (**إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ \* فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ**)؛ «ما به تو چیزی گرانبها بخشیدیم، پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن!».([[24]](#footnote-24))

امام رضا (ع) فرمود: (**سمعت أبي موسى بن جعفر (علیه السلام) يقول: سمعت أبي جعفر بن محمد (علیه السلام) يقول: سمعت أبي يقول: سمعت أبي علي بن الحسين (علیه السلام) يقول: سمعت أبي الحسين بن علي (علیه السلام) يقول: سمعت أبي أمير المؤمنين علي بن أبي طالب (علیه السلام) يقول: سمعت النبي (صلی الله علیه وآله) يقول: سمعت الله عز وجل يقول: لا إله إلا الله حصني، فمن دخل حصني أمن من عذابي. قال: فلما مرت الراحلة نادانا، بشروطها. وأنا من شروطها**)؛«از پدرم موسی بن جعفر (ع) شنیدم که می‌فرمود: از پدرم جعفر بن محمد (ع) شنیدم که ‌فرمود: از پدرم شنیدم که ‌فرمود: از پدرم علی بن حسین (ع) شنیدم که فرمود: از پدرم حسين بن علي (ع) شنیدم که ‌فرمود: از پدرم امیرمؤمنان علي بن أبي طالب (ع) شنیدم که ‌فرمود: از رسول خدا (ص) شنیدم که ‌فرمود: از خدای عز وجل شنیدم که ‌فرمود: لا اله الا الله دژ مستحکم من است، هر کس وارد آن شود از غذاب من در اَمان خواهد بود. راوی گوید: هنگامی که مرکبِ سواری حضرت حرکت کرد، (امام ـ علیه السلام) به ما ندا داد: با شرایط آن، و من از شرایط آن هستم».([[25]](#footnote-25)) و به حق به شما می‌گویم که من از شرایط آن هستم.

به نام امام مهدی (ع) به سوی شما آمده‌ام، و خواسته خویش را دنبال نمی‌کنم بلکه خواسته کسی را خواستارم که مرا فرستاده است، عظمت خود را نمی‌خواهم بلکه عظمت ایشان را خواستارم. و هر کس مرا نپذیرد، کسی که مرا ارسال کرده است را نپذیرفته است. و به درستی که هر کس به فرزند احترام نگذارد به پدری که او را ارسال نموده، احترام نگذاشته است. پدرم امام مهدی (ع) مرا امر به گفتن این کلمات کرده است: (**أنا حَجَر في يَمين علي بن أبي طالب (علیه السلام) ألقاه** **في يوم لِيَهديَ به سَفينَةَ نُوح، و مَرَّةً لِيُنجي إبراهيم مِن نارِ نِمرود، و تارَةً لِيُخَلِّص يُونِس مِن بَطْنِ الحُوت، و كَلَّمَ به مُوسى علىَ الطُّور، و جَعَلَهُ عَصا تَفْلِقِ البِحار و دِرْعٌ لِداود، و تَدَرَّعَ به في اُحُد، و طَواهُ في يَمينِه في صِفين**)؛ «من سنگی در دستان علی بن ابی طالب (ع) بودم که روزی آن را انداخت تا کشتی نوح را هدایت کند، و یک‌بار برای نجات ابراهیم از آتش نمرود، و باری دیگر برای نجات یونس از شکم نهنگ، ارسال نمود. و به وسیله آن با موسی در طور سخن گفت، و آن را عصایی برای شکافتن دریا وسپری برای داود قرار داد، و در اُحد آن را به عنوان سپری برای خود به کار برد، و در صفّین آن را بر دست راستش بست». کسی که گوش دارد بشنود: این جنبنده زمین است که با مردم صحبت می‌کند، و این علی بن ابی طالب (ع) است که می‌بایست بیاید: (**إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآياتِنَا لا يُوقِنُونَ**)؛ «چون آن سخن بر ایشان محقق گردد، جنبنده‌ای از زمين برايشان بيرون می‌آوريم تا با آنان سخن بگويد که: اين مردم به آيات ما يقين نداشتند».([[26]](#footnote-26))

خداوندا تو خود شاهد باش که من ابلاغ کردم، خداوندا تو خود شاهد باش که ابلاغ کردم، خداوندا تو خود شاهد باش که من ابلاغ کردم.

بسم الله الرحمن الرحيم

(**المص \* كِتابٌ أُنْزِلَ إِلَيْكَ فَلا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِنْهُ لِتُنْذِرَ بِهِ وَ ذِكْرى لِلْمُؤْمِنِينَ \* اتَّبِعُوا ما أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَ لا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِياءَ قَلِيلاً ما تَذَكَّرُونَ \* وَ كَمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْناها فَجاءَها بَأْسُنا بَياتاً أَوْ هُمْ قائِلُونَ \* فَما كانَ دَعْواهُمْ إِذْ جاءَهُمْ بَأْسُنا إِلاَّ أَنْ قالُوا إِنَّا كُنَّا ظالِمِينَ \* فَلَنَسْئَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَ لَنَسْئَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ \* فَلَنَقَصَّنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَ ما كُنَّا غائِبِينَ \* وَ الْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوازِينُهُ فَأُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ \* وَ مَنْ خَفَّتْ مَوازِينُهُ فَأُولئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِما كانُوا بِآياتِنا يَظْلِمُونَ \* وَ لَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الأْرْضِ وَ جَعَلْنا لَكُمْ فِيها مَعايِشَ قَلِيلاً ما تَشْكُرُونَ \* وَ لَقَدْ خَلَقْناكُمْ ثُمَّ صَوَّرْناكُمْ ثُمَّ قُلْنا لِلْمَلائِكَةِ اسْجُدُوا لآِدَمَ فَسَجَدُوا إِلاَّ إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ \* قالَ ما مَنَعَكَ أَلاَّ تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ \* قالَ فَاهْبِطْ مِنْها فَما يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيها فَاخْرُجْ أنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ \* قالَ أَنْظِرْنِي إِلى يَوْمِ يُبْعَثُونَ \* قالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ \* قالَ فَبِما أَغْوَيْتَنِي لأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِراطَكَ الْمُسْتَقِيمَ \* ثُمَّ لآَتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَيْمانِهِمْ وَ عَنْ شَمائِلِهِمْ وَ لا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شاكِرِينَ \* قالَ اخْرُجْ مِنْها مَذْؤُماً مَدْحُوراً لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لأَمْلأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ**).

«الف لام ميم صاد \* كتابى است كه به سوى تو فرو فرستاده شده پس نبايد در سينه تو از ناحيه آن تنگى باشد تا به وسيله آن هشدار دهى و براى مؤمنان پندى باشد \* از چیزی که از طرف پروردگارتان بر شما نازل شده، پیروی کنید! و از اولیا و معبودهای دیگر جز او، پیروی نکنید! اما کمتر متذکّر می‌شوید! \* چه بسیار شهرها و آبادیها که آنها را هلاک کردیم! و عذاب ما شب ‌هنگام، یا در روز هنگامی که استراحت کرده بودند، به سراغشان آمد. \* و هنگامى كه عذاب ما بر آنان آمد سخنشان جز اين نبود كه گفتند راستى كه ما ستمكار بوديم \* پس قطعا از كسانى كه پيامبران به سوى آنان فرستاده شده‏اند خواهيم پرسيد و قطعا از خود فرستادگان نيز خواهيم پرسيد \* و از روى دانش به آنان گزارش خواهيم داد و ما از احوال آنان غايب نبوده‏ايم \* در آن روز میزان حق است پس هر كس ميزانهاى (عمل) او گران باشد آنان خود رستگارانند \* و هر كس ميزانهاى (عمل) او سبك باشد پس آنا‌ن‌اند كه به خود زيان زده‏اند چرا كه به آيات ما ستم كرده‏اند \* و قطعا شما را در زمين قدرت (عمل) داديم و براى شما در آن وسايل معيشت نهاديم اما چه كم سپاسگزارى مى‏كنيد \* و در حقيقت ‏شما را خلق كرديم سپس به صورتگرى شما پرداختيم آنگاه به فرشتگان گفتيم براى آدم سجده كنيد پس همه سجده كردند جز ابليس كه از سجده‏كنندگان نبود \* فرمود: چون تو را به سجده امر كردم چه چيز تو را باز داشت از اينكه سجده كنى؟ گفت: من از او بهترم مرا از آتشى آفريدى و او را از گل آفريدى. \* فرمود: از آن مقام فرو شو تو را نرسد كه در آن جايگاه تكبر نمايى پس بيرون شو كه تو از خوارشدگانى \* گفت: مرا تا روزى كه مردم برانگيخته خواهند شد مهلت ده \* فرمود: تو از مهلت‏يافتگانى \* گفت: پس به سبب آنكه مرا به بيراهه افكندى من هم براى فريفتن آنان حتماً بر سر راه مستقیم تو خواهم نشست \* آنگاه از پيش رو و از پشت‏سرشان و از طرف راست و از طرف چپشان بر آنها مى‏تازم و بيشترشان را شكرگزار نخواهى يافت. \* فرمود: مَنفورُ مَطرود از آن مقام بيرون شو كه قطعا هر كه از آنان از تو پيروى كند جهنم را از همه شما پر خواهم كرد».([[27]](#footnote-27))

صدق الله العلی العظیم. والحمدلله رب العالمین.([[28]](#footnote-28))

\*\*\*

تهیه و تنظیم:

صادق شکاری

جمادی‌الاول 1443هـ.ق

[sadeghshekari10313.blogspot.com](https://sadeghshekari10313.blogspot.com/)

[sadeghshekari.over-blog.com](https://sadeghshekari.over-blog.com/)

[pinterest.com/almahdyoon](https://www.pinterest.com/almahdyoon/)

[t.me/Sadeghansary](https://t.me/Sadeghansary)

[sadeghshekari.com](https://sadeghshekari.com)

[sadeghshekari.blog.ir](http://sadeghshekari.blog.ir/)

[facebook.com/sadeghshekari10313](https://www.facebook.com/sadeghshekari10313)

جهت آشنایی با دعوت سید احمدالحسن به تارنمای رسمی مراجعه نمایید:

[almahdyoon.co](https://almahdyoon.co/)

مطالب مرتبط :

[دانلود بیانیه‌های سید احمدالحسن (ع)](https://sadeghshekari10313.blogspot.com/2021/05/blog-post_801.html)

[دانلود خطبه‌ها و سخنرانی‌های سید احمدالحسن (ع)](https://sadeghshekari10313.blogspot.com/2021/05/blog-post_829.html)

[دانلود کتاب‌های سید احمدالحسن (ع)](https://sadeghshekari10313.blogspot.com/2021/05/blog-post_544.html)

[دانلود خطبه‌های سید احمدالحسن (ع) همراه با زیرنویس فارسی](https://sadeghshekari10313.blogspot.com/2021/05/blog-post_354.html)

1. . الأعراف:164-165 [↑](#footnote-ref-1)
2. . الكتاب المقدس: سفر الأمثال 3: 5-14 [↑](#footnote-ref-2)
3. . العنكبوت:69 [↑](#footnote-ref-3)
4. . غيبة النعماني ص197 [↑](#footnote-ref-4)
5. . مريم:89-90 [↑](#footnote-ref-5)
6. . الشعراء:210-211 [↑](#footnote-ref-6)
7. . المؤمنون:88 [↑](#footnote-ref-7)
8. . النجم:22 [↑](#footnote-ref-8)
9. . سفينة البحار ج10 ص199 [↑](#footnote-ref-9)
10. . الحشر: 9 [↑](#footnote-ref-10)
11. . آل عمران:26 [↑](#footnote-ref-11)
12. . الصافات:107 [↑](#footnote-ref-12)
13. . الجمعة: 5 [↑](#footnote-ref-13)
14. . لقمان:19 [↑](#footnote-ref-14)
15. . البقرة: 256 [↑](#footnote-ref-15)
16. . الصف:2-3 [↑](#footnote-ref-16)
17. . الروم:41 [↑](#footnote-ref-17)
18. . البقرة: 249 [↑](#footnote-ref-18)
19. . البقرة: 24 [↑](#footnote-ref-19)
20. . آل عمران:139 [↑](#footnote-ref-20)
21. . البلد:11-12 [↑](#footnote-ref-21)
22. . الکافی- ط دار الحدیث (الشيخ الكليني) ، ج: 2 ، ص: 410 - تفسير فرات ج1 ص558 - المناقب ج2 ص155. [↑](#footnote-ref-22)
23. . إنجيل مَتَّى : ۱۱‏‏:‏6 [↑](#footnote-ref-23)
24. . الکوثر:1-2 [↑](#footnote-ref-24)
25. . عيون أخبار الرضا (ع) ص145 [↑](#footnote-ref-25)
26. . النمل:82 [↑](#footnote-ref-26)
27. . الأعراف:1-18 [↑](#footnote-ref-27)
28. . احمدالحسن

وصي ورسول الإمام المهدي (ع)

8 ربيع الثاني 1426 هـ .ق [↑](#footnote-ref-28)